

فتوای صیانت از ولایت

حجت‌الاسلام احسان عبادی

بَیْزُوشْکَرِ خُزْدَوِی

تاریخ تشیع همواره شاهد نقش برجسته علما و مراجع در صیانت از ارکان اصیل دین و جامعه اسلامی بوده است. در بزنگاه‌های مختلف، مراجع تقلید با صدور فتواهایی همچون فتوای تحریم تنباکو توسط میرزای شیرازی، حکم جهاد علیه متجاوزان خارجی توسط علمای قاجار در زمان جنگ‌های ایران و روس و ده‌ها نمونه دیگر، حریم دین، مرجعیت و ولایت را پاس داشته‌اند. در زمان حکومت پهلوی هم وقتی دستگاه ساواک قصد تزلزل مقام امام خمینی (ره) را داشت و قصد جان‌انداختن مخالفت مراجع با حرکات ایشان را نمود، مراجع بزرگ آن زمان نامه‌هایی در تأیید مرجعیت و تأیید رفتارهای امام خمینی (ره) نوشتند و این گونه از یکان مرجعیت شیعه دفاع کردند. فتوای اخیر آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی مبنی بر محارب دانستن هرکسی که علیه رهبری معظم انقلاب تعرضی روا دارد، بازتاب همین سنت تاریخ‌ساز دفاع مرجعیت شیعه از یک مرجع دیگر و مخصوصاً در جایگاه زعامت و ولایت فقیه است. این فتوا نه تنها در حوزه حقوقی و شرعی اهمیت دارد، بلکه پیامدهای اجتماعی، امنیتی و تمدنی قابل توجهی در پی دارد.

■ ■ ■

صیانت مراجع از جایگاه ولایت فقیه؛ از اهم وظایف اجتماعی و دینی

ولایت فقیه در اندیشه شیعه امتداد خط نبوت و امامت محسوب می‌شود و مراجع تقلید همواره خویشان را در قبال این جایگاه مسئول دانسته‌اند. فتوا و موضع‌گیری اخیر آیت‌الله مکارم شیرازی را باید در راستای صیانت از اصل ولایت فقیه و حفظ انسجام جامعه اسلامی ارزیابی کرد. مرجعیت شیعه با صدور چنین فتاوایی به‌وضوح نشان می‌دهد که اصل ولایت فقیه صرفاً یک موقعیت سیاسی یا حکومتی نیست، بلکه نهاد امت معرفتی، دینی و هویتی و اجتماعی شیعیان است. تعرض به این جایگاه، معادل تعرض به کلیت سپهر اسلام و تشیع ارزیابی می‌شود و مقابله با آن وظیفه‌ای فراتر از مرزبندی‌های شخصی و سیاسی می‌یابد.

اهمیت جایگاه مراجع تقلید برای دیگر مراجع و جامعه شیعی

نکته حائز اهمیت در واکنش مراجع به تهدیدها علیه ولایت فقیه، آن است که هر فتوای یک مرجع تأثیری فراتر از حوزه مقلدان خاص خود دارد و کل حوزه شیعه را متأثر می‌کند. مراجع شیعه، صیانت از دین و حفظ هویت مذهبی جامعه را رسالت مشترک خود می‌دانند، حتی اگر در برخی موضوعات اختلاف فتوا یا تگرش وجود داشته باشند. درحقیقت، حمایت‌های صریح مراجع از جایگاه ولایت فقیه به نوعی تأکید مجدد بر مشروعیت و قداست این جایگاه نزد دیگر عالمان و عامه مردم است؛ به خصوص زمانی که این جایگاه با چالش‌ها و تهدیدهای داخلی یا خارجی مواجه می‌شود. اجماع یا همراهی اکثریت مراجع در چنین مواقعی، نقش خطیری در تقویت سرمایه اجتماعی و اعتقادی شیعه ایفا می‌کند. درحقیقت این طور باید گفت شاید یک مرجع تقلید از نظر علمی و فقهی با برخی نظرات ولی فقیه جامعه اختلاف نظر داشته باشد، اما در موارد سیاسی و اجتماعی دفاع از ولایت فقیه را برای خود یک وظیفه می‌داند؛ چراکه با اقتدار ولایت فقیه است که بسترى برای اجرای احکام اجتماعی اسلام پدید می‌آید در نبود حکومت اسلامی و ولایت فقیه، اسلام فقط به چند حکم فردی عبادی تنزل خواهد یافت.

اهمیت واکنش مرجعیت در برابر تهدید دشمن علیه رهبری؛ پیوند امنیت ملی و فقه اسلامی

فتوای آیت‌الله مکارم شیرازی واکنشی صرفاً فردی یا فقهی نیست؛ بلکه اقدامی راهبردی برای محافظت از اصل «امنیت ملی دینی» است. بر اساس فقه شیعه، تعرض بر رهبران مشروع مسلمانان در حکم محاربه و افساد فی الارض است. این حکم در ابعاد مدرن نیز کارکردی دوگانه دارد: الف) بازدارندگی داخلی: صراحت لهجه مرجعیت و قطعیت فتاوایی مانند حکم محارب دانستن معترضان به مقام رهبری، پیامی قوی به بدنه جامعه و حتی تردیدکنندگان است که تعرض به اساس نظام اسلامی خط قرمز غیرقابل اغماض است؛ این خود به تحکیم وحدت و ثبات داخلی کمک می‌کند.

ب) پیام آتشکار به دشمنان خارجی: اقدامات گستاخانه یا تهدیدآمیز دشمنان خارجی نسبت به رهبر انقلاب، ممکن است محمل برخی تحریکات توهمی داخلی نیز قرار گیرد. در چنین فضایی، بیان فتاوای صریح توسط مراجع باعث انتقال پیام ضعیف‌ناپذیری دین و ملت شیعه به دشمنان می‌شود و معادلات روانی آنان را به هم می‌زند.

جایگاه تاریخی و نظم حقوقی فتوای محاربه درباره تعرض به رهبری

فتوای آیت‌الله مکارم شیرازی کاملاً منطبق با مبانی فقهی و عقلائی «حفظ نظام اسلامی» است. محاربه در فقه اسلامی به معنای اقدامات مسلحانه، سزا‌مان یافته یا مؤثر بر امنیت و موجودیت جامعه اسلامی قلمداد می‌شود. تعرض به رهبر مسلمین (به ویژه رهبر مشروع نظام شیعی) یک مصداق کامل محاربه و خروج علیه حاکم مشروع محسوب می‌گردد. فتوای ایشان را باید نه صرفاً یک واکنش فقهی بلکه تجلی «عقل جمعی شیعه» در پاسداشت ستون خیمه نظام اسلامی دانست؛ چراکه هرگونه تعرض به حریم ولایت فقیه، به منزله تاشش برای فروپاشی اساس دین و جامعه شیعی ارزیابی می‌شود.

اجماع یا حمایت قاطع مراجع و بدنه علمای طراز اول از این موضع، حامل چندین پیام برای سطوح مختلف جامعه است:

۱. برای عموم مردم، هشدار نسبت به عواقب شرعی و اجتماعی تعرض به ولایت.

۲. برای بدنه نخبگان و فعالان سیاسی، لزوم مراقبت از هنجار امنیت و ثبات اجتماعی.

۳. برای دشمنان خارجی، نشانگر انسجام و اقتدار جبهه مرجعیت و ولایت در برهه تهدیدآمیز.

آمریکایی‌ها ظرفیت بزرگ فتاوای مراجع در حمایت از رهبر معظم انقلاب را می‌دانند

نهضت تنباکورا یادآر!



زمانی که رژیم پهلوی اسام خمینی را به خاطر نطق طوفانی‌اش علیه لایحه کاپیتالاسیون بازداشت کرد، جوش و خروشی در جامعه مسلمین اتفاق افتاد که رژیم پهلوی از ترس آنکه مباد زیر دست و پای دوستداران امام له شود، جان امام را به خطر نینداخت. در واکنش به بازداشت این مرجعیت شیعه، علمایی مثل آیت‌الله نجفی بیانه صادر کردند و نوشتند: «مادامی که ایشان را صحیح و سالم به دست ما ندهند، دست از اقدام برنمی‌داریم.» آیت‌الله بهبهانی بازداشت امام را صراحتاً تعدی به ساخت علمای اعلام مخصوصاً حضرت امام، دانستند. از نیمه خرداد ۴۲ تا خرداد ۴۴ که رئیس‌جمهور کاسبب آمریکا، رهبر انقلاب، مرجع بزرگ شیعیان را تهدید کرد، بیشتر از نیم قرن می‌گذرد، اما علمای اسلام به همان شدتی که با بازداشت و تهدید جان امام خمینی و مؤسس نهضت انقلاب اسلامی ایران خشمگین شدند، واکنش نشان دادند، با این تفاوت که این جوش و خروش تنها به علما، مراجع و مردم ایران محدود نماند. روز گذشته آیت‌الله مکارم شیرازی، در فتوایی و در پاسخ به تهدید ترامپ، فتوا به محاربه افرادی دادند که رهبر انقلاب را تهدید می‌کنند و بعد از آن آیت‌الله نوری همدانی و آیت‌الله سیستانی هم فتواهایی مشابه صادر کردند. این واکنش با توجه به سابقه تاریخی و شأنی که علما در جامعه اسلام دارند، دور از انتظار نبود. مردم ایران پیش از شروع نهضت مشروطه خواهی در ماجرای عمل به فتوای تاریخی تحریم تنباکو که میرزای شیرازی صادر کرده بودند، نیز نشان داده بودند که در اجرای فرامین مرجعیت کوتاهی نخواهند کرد. اما به نظر می‌رسد، سیاستمداران کم‌تجربه تیم ترامپ، خوانش دقیقی از تاریخ و هویت ایرانی، اسلامی ندارند که دست به این قمار خطرناک زده‌اند.

■ ■ ■

تهدید جان مرجعیت شیعه منطقه را به آتش می‌کشد

تجاوزات و ترورها در جنوب لبنان، تانیاهاو ر دچار این خطای محاسباتی کرد که می‌توانند مشابه آن را در تهران و علیه مقامات عالی کشور ایران ابراز کند. به همین خاطر صراحتاً ر تهدید مقام عالی کشور گفت.

حجت الاسلام احمد رهدار در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

حماقت صهیونیست‌ها جهان اسلام را منسجم کرد

صهیونیست‌ها فکر می‌کردند با تهدید مقام عالی ایران و مرجع شیعه، ایران و نظام سیاسی را تضعیف خواهند کرد. اما واکنش گسترده‌ای که علمای شیعه به این تهدید نشان دادند و صدور فتوای محاربه علیه کسانی که تهدیدی متوجه مرجعیت شیعه کردند، موجب شد جامعه مسلمان شیعیی یکپارچه علیه تهدیدات آمریکا و صهیونیست‌ها واکنش نشان دهد. این تهدید به ابزاری علیه آن‌ها تبدیل شد که ارادت به مرجعیت شیعه و مسلمان را در مسلمانان شیعه به نمایش گذاشت؛ اقدامی که هزینه خطا علیه ایران و مقامات آن را بالا برد. در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام احمد رهدار، استاد دانشگاه، به بررسی ابعاد و اثرات فتوای محاربه آیت‌الله مکارم و دیگر مراجع تقلید پرداختیم که در ادامه از نظر می‌گذرانید.

■ ■ ■

فتوای محاربه، دفاع از شأن ولایت فقیه

فتوای مراجع عظام تقلید، دفاع از مقام و جایگاه ولایت فقیه بود؛ موضوعی که حجت‌الاسلام رهدار به آن اشاره کرد و گفت: «حسب باورهای شیعی، امام معصوم، محور شکل‌گیری واقعی جامعه است. مجموعه‌ای از روایات این معنا را متبادر می‌کند که افراد جامعه، ادامه طینت و وجود امام هستند. در غیبت امام معصوم، این نقش را فقیه جامع‌الشرایط حاکم، نایب‌تأمین می‌کند و به تعبیری نخ تسبیح جامعه می‌شود. حضرت زهرا (س) در خطبه معروف خودشان می‌فرمایند که خداوند اهل بیت را به این دلیل خلق کرده که جامعه متفرق و پاره‌پاره نشود. شأن امام در جامعه، شأن وحدت، انسجام، یکپارچگی و شأن یفتری است. نوع کامل این شأن در امام معصوم خود را نشان می‌دهد و در غیبت امام معصوم، این شأن روی دوش فقیه جامع‌الشرایط حاکم می‌افتد که اینک مصداق آن در جامعه اسلامی ما مقام‌معظم‌رهبری هستند. دفاعی که مراجع عظام تقلید در رهبر انقلاب انجام می‌دهند، دفاع از شخص نیست، دفاع از شأن است؛ حتی این شأن هم یک شأن فردی نیست، بلکه برای قوام جامعه و اجتماع است. در واقع فتوای مراجع عظام تقلید، فتوای بازدارنده برای حفظ جامعه اسلامی است.»

دکترین دفاعی پیشگیرانه

درواکنش به تهدیدات علیه مرجعیت

حجت‌الاسلام رهدار در ادامه به این موضوع اشاره کرد که فتوای محاربه در قالب دکترین دفاعی پیشگیرانه بود و توضیح داد: «فقه اسلامی مثل دیگر نظام‌های حقوقی، یک دکترین دفاعی دارد؛ همچنان که دکترین تهاجمی و جنگ دارد. دکترین دفاعی می‌تواند از نوع پیشگیرانه باشد. دکترین‌های دفاعی پیشگیرانه گاهی مبتنی بر گزاره‌های مشروع می‌شوند و گاهی نیز مبتنی بر اقدام‌اند. برای مثال، اسرائیل تأییش از طوفان الاقصی، دکترین دفاعی‌اش پسینی بود؛ به این معنا که اگر طرف مقابل، حماس یا حزب‌الله به آن‌ها ضرب‌ه‌ای می‌زد، ولو آنکه یک نفر از آن‌ها را می‌کشت یا اسیر می‌کرد، آن‌ها هم واکنش سریع و هم واکنش شدید انجام می‌دادند. کمپاینک جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله به خاطر دو نفر اسیری رخ داد که حزب‌الله لبنان از اسرائیل گرفت. اما از طوفان الاقصی به این طرف، اسرائیل، دکترین دفاعی خودش را پیشگیرانه تعریف کرده است؛ به این معنا که منتظر نمی‌ماند که طرف مقابل، حزب‌الله، انصارالله یا ایران به آن‌ها حمله کند. اگر مطمئن شوند که این گروه‌ها در تدارک حمله به اسرائیل هستند، به صورت پیش‌دستانه حمله می‌کنند. این دکترین دفاعی پیشگیرانه از جنس عملیات و اقدام است. اما یک دکترین دفاعی پیشگیرانه است که از جنس اقدام نیست، بلکه از جنس گزاره‌های شرطی است؛ به این معنا که اگر دشمن شما بخواهد کاری انجام دهد، شما پیامی را مخابره می‌کنید که این چنین کردید، پیشاپیش حکم در مورد شما این است. فتوای مراجع عظام، در این خصوص از جنس دکترین دفاعی پیشگیرانه مبتنی بر گزاره‌های شرطی است. به عنوان مثال حضرت آیت‌الله مکارم فرمودند اگر آن‌ها چنین اقدامی انجام دهند، محارب هستند و حکم محارب هم در اسلام مشخص است. این اقدام هرچند یک اقدام هوشمندانه، به موقع و درست است، اما اقدامی رایج است و در دکترین‌های دفاعی و نظام‌های حقوقی، مشابه دارد.»

ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا نیز با تصور ایران تضعیف‌شده از تهدید رهبر معظم انقلاب صحبت کرد. موضوعی که واکنش و خشم گسترده جهان اسلام را به همراه داشت. حزب‌الله لبنان در بیانه‌ای در واکنش به تهدید رئیس‌جمهور آمریکا علیه‌رهبر انقلاب اعلام کرد «این تهدیدها عواقب وخیمی دارد.» مرجعیت عالی شیعه در عراق، آیت‌الله سیستانی در پیامی این تهدید را زمینه به آتش کشیدن منطقه دانستند و نوشتند: «هر اقدام مجرمانه‌ای در این رابطه، منجر به خروج کامل اوضاع از کنترل و بروز هرج‌ومرج گسترده می‌شود.» پس از آن آیات عظام مکارم شیرازی، جوادی آملی، مظاهری و نوری‌همدانی نیز در بیانیه‌هایی این تهدید را محکوم کردند. همین واکنش‌ها باعث شد که رئیس‌جمهور آمریکا بعد از پیام سوم رهبر انقلاب عقب‌نشینی کند اما از سر عصبانیت زبان به تهدید بگشاید. اما همان طور که انتظار می‌رفت، تهدید جان مرجعیت شیعه تنها به همین محکومیت، محدود نخواهد ماند. تا پیش از ادعاهای جدید ترامپ، علما و مراجع، واکنشی بر مبنای قواعد فقهی و شرعی به این ادعاهای ترامپ نشان ندادند، اما روز گذشته جمعی از مراجع عظام صراحتاً علیه تهدید رهبر انقلاب فتوا صادر کردند. آیت‌الله مکارم شیرازی در بخشی از متن فتوای منتشر شده نوشت: «هر شخص یا رژیمی که برای ضربه به امت اسلامی و حاکمیت آن، رهبری و مرجعیت را تهدید کند یا تعرض نماید، حکم محارب دارد.» و در ادامه هم به این موضوع تأکید کرد که «لازم است مسلمانان، این دشمن را از خطای خود پشیمان کنند و اگر متحمل خسارتی شوند، اجر مجاهد فی سبیل‌الله را دارند.» آیت‌الله نوری همدانی نیز به همین موضوع تأکید کرده و نوشتند: «هر تهدید و تعرضی به رهبر انقلاب و مرجعیت شیعه، حکم محارب را دارد.» صدور فتوای محارب علیه تهدیدکنندگان جان مرجعیت شیعه، یعنی صدور حکم اعدام ترامپ و نتانیاهو. جدای از آنکه آیت‌الله سیستانی هم به این موضوع تأکید کرد که غلطی در این رابطه منطقه را به آتش خواهد کشید، مجموع این موارد نشان می‌دهد اگر خطایی از آمریکا و نیروی نیابتی‌شان سر بزنند، سرنوشتی بدتر از آنچه در ۷ آذر ۲۰۲۳ برای آن‌ها رخ داده، در انتظارشان خواهد بود.

خطای محاسباتی که جایگاه رهبر انقلاب را به جهانیان نشان داد

واکنش مراجع شیعه و صدور فتوا علیه رژیم صهیونیستی، نخست‌وزیرش و رئیس‌جمهور آمریکا، نشان داد برخلاف تصور و محاسبات صهیونیست‌ها، نه ایران در موقعیت تضعیف‌شده قرار گرفته و نه اسلام در محجوریت قرار دارد. واکنش گسترده علما و مسلمانان شیعه به این تهدیدها نشان داد جهان اسلام همچنان در واکنش به هتک حرمت علما و مرجعیت شیعه واکنش تند، صریح و قاطع نشان خواهد‌داد. از این جهت، تهدید رهبر انقلاب توسط ترامپ و نتانیاهو نتایج عکس داشت و زبان‌های بیشتری برایشان به همراه داشت. نیمه دی ماه سال ۵۶، هشت روز بعد از سفر کارتر به تهران، روزنامه اطلاعات مقاله‌ای توهین‌آمیز علیه امام خمینی منتشر کرد. مقاله‌ای که تیر خلاص را به رژیم پهلوی زد و خشم گسترده مردم مسلمان را به همراه داشت و بهانه اصلی تأسیس انقلاب اسلامی ایران را فراهم کرد. ادعاها و تهدیدهای ترامپ نیز شبیه مقاله توهین‌آمیز روزنامه اطلاعات در دهه ۵۰، نه تنها موجب تضعیف یا تخریب شأنیت رهبر معظم انقلاب نشد، بلکه جامعه مسلمان شیعی را منسجم‌تر کرد و متقابلاً نشان داد رهبر انقلاب اسلامی در نگاه علما و مردم مسلمان چه جایگاهی دارند. تهدید ترامپ و واکنش علمای شیعه به این ادعاها به جهان نشان داد که رهبر انقلاب، تنها یک جایگاه سیاسی در ایران نیست، بلکه رهبریت جامعه مسلمان شیعه در جایگاه ولایت فقیه را به عهده دارد. فتوای علما و واکنش آیت‌الله سیستانی نشان داد تهدید مرجعیت شیعه، صرفاً تهدید یک مقام سیاسی نیست که جامعه مسلمان از کنار آن بگذرد، بلکه هزینه این خطا آنقدر بالاست که می‌تواند منطقه را برای آمریکایی‌ها با چالش‌های جدی مواجه کند. مجموع این واکنش‌ها نشان داد ترامپ و نتانیاهو نه تنها در مورد ایران و معادلانشان در جنگ مرتکب خطا شده و نهایتاً مجبور به توقف جنگ شدند، بلکه تهدید رئیس‌جمهور آمریکا خطای دیگری است که ادامه اشتباهات آن‌ها، برایشان هزینه‌هایی به همراه خواهد داشت که دیگر با درخواست پایان و توقف جنگ، ختم نخواهد شد؛ علاوه بر آنکه ترامپ و نتانیاهو دیگر در امان نخواهند بود، هزینه خطاهای آن‌ها فشارهای بین‌المللی و واکنش شدید رقبای آن‌ها را به همراه خواهد داشت که به حیات سیاسی‌شان هم پایان خواهد داد.



شنبه ۱۰ تیر ۱۴۰۴



شماره ۴۴۹



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE

دستاورد بزرگ بعد از حماقت صهیونیست‌ها

حجت‌الاسلام رهدار به این موضوع هم اشاره کرد که حماقت صهیونیست‌ها، فرصتی برای زعامت آیت‌الله خامنه‌ای برای تمام جهان اسلام را فراهم کرده و گفت: «مستحضر هستید که جهان اسلام سنی، بعد از سقوط خلافت یک جورهایی بی‌سر و بی‌پدر شده است و جامعه اهل سنت در طی قرون گذشته که نخ تسبیحش، خلیفه بوده است؛ تلاش‌های سنگینی انجام‌دادند که بتوانند خلافت را احیا کنند و این تلاش‌ها تا امروز هم ادامه دارد اما موفق نشدند. جهان اسلام سنی به ویژه نخبگان آن‌ها از گذشته متوجه نکته‌ای شدند که در اتفاقاتی که افتاد به ویژه در مورد مقام‌معظم‌رهبری و تحلیلی که از جانب دشمن، صورت گرفت، به این مسئله اندیشیدند که در غیبت، مفهوم خلافت و خلیفه در جهان اسلام و اینکه چندان امید و قرانتی وجود ندارد که فکر کنند در آینده می‌توانند آن را دوباره احیا کنند، آیا می‌توان به این فکر کرد که همین فقیه شیعه، همزمان و توأمان این نقش را در جهان سنی ایفا کند یا خیر؟ به عبارتی جهان اسلام سنی، در این ماجرا به نحو تفصیلی این سؤال را از خودش پرسید که حتی براساس مبانی پایه سنی، منع این موضوع کجاست که آقای خامنه‌ای ولی جامعه اسلامی باشند و نه فقط ولی جامعه شیعی. دلایل و قرانتی که ضرورتاً دلایل فقهی نیستند، اما پس زمینه‌های تاریخی، جامعه‌شناسی و روانی، کمک کرد که پاسخ این سؤال نخبگان و توده اهل سنت به سمت «بله» برود؛ به این معنا که آقای خامنه‌ای می‌توانند ولی ما باشند. آن پس زمینه‌های تاریخی و جامعه‌شناختی به اتفاقاتی برمی‌گردد که طی دهه‌های اخیر، بر توده مسلمان تحمیل شده است. آن اتفاق یک نوع تحریف‌شدگی عمومی است. ملت مسلمان می‌خواهد از فلسطین در برابر اسرائیل دفاع کند، یک سری حاکمان وابسته و حاکمان غیر وابسته و ترسو، توانستند ملت‌ها را همراهی و پشتیبانی کنند. نه تنها همراهی نکردند، بلکه سرکوب هم کردند. اما ایران تحت ولایت و تدبیر مقام‌معظم‌رهبری با اصلی‌ترین دشمن جهان اسلام در این سطح، خود را درگیر می‌کند، ملت‌های مسلمان به ذکاوت و فتانت و صراحت متوجه شدند که گویی که به نمایندگی از آن‌ها این کار را انجام می‌دهد. خوب اگر به نمایندگی از آن‌ها این کار را انجام می‌دهد، چرا ولی آن‌ها، ولی کلی امت نباشد. این بحث‌ها را از قبل داشتیم و نخبگان اهل سنت مطرح می‌کردیم. الان اتفاقی که افتاده و مورد تهدید قرار گرفتن رهبر معظم انقلاب، موجب شد که توده مسلمان متوجه این پرسش شوند و حتی به دلیل اینکه مثل نخبگان درگیر در دوا ادله‌ها نیستند، راحت‌تر به لحاظ روحی و روانی، قبول کنند ولایت ایشان را. این دستاورد مهمی است که اگر می‌خواستیم با تدبیر و تلاش‌های علمی خودمان و نهادهای موجود این هدف را محقق کنیم، سال‌ها و مدت‌ها زمان نیاز داشتیم؛ اما در کوتاه مدت این اتفاق در سطح گسترده رخ داده و پرسشی خجسته است.»

فرهیختگان

فرهیختگان

فرهیختگان

شنبه ۱۰ تیر ۱۴۰۴



شماره ۴۴۹



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE

فرهیختگان

فرهیختگان

فرهیختگان

فرهیختگان

فرهیختگان

فرهیختگان

فرهیختگان

فرهیختگان

فرهیختگان

فرهیختگان